

دوفصلنامه ویژه پژوهش‌های ادبی و متن‌شناختی

دوره جدید، سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۱ (پیاپی ۷۰)

۷۰



- تور در متون پهلوانی ایران و معرفی «داستان تور بن جهانگیر» / رضا غفوری / ۹
- کلمات مختوم به «-ای» و «-وی» در متون قدیم فارسی... / مسعود راستی پور / ۲۷
- «جامع الحساب»: اثری فارسی منسوب به نصیرالدین طوسی در حساب هوایی / فاطمه سادات سعادت‌مند / ۴۹
- اقتباس شیرعلیخان لودی از «جامع الصنائع والاوزان» سیف جام هروی... / امید شاه‌مرادی / ۷۳
- سابقه پیوند وزن شعر و موسیقی در متون کهن / بهراد بنایی / ۸۵
- «گرشاه‌نامه»: تلفیق شاهنامه و گرشاسب‌نامه در برخی از دست‌نویس‌ها... / علی اصغر ابراهیمی و نیچه / ۱۱۹
- احتمال الحاقی بودن غزلی مشهور در دیوان حافظ / امیر شفق / ۱۴۱
- دو نسخه کهن به‌یغمارفته از منظومه «دولرانی خضرخان»... / مهدیه اسدی و بیژن ظهیری ناو / ۱۵۷
- روایات لیلی و مجنون در ادبیات مکتوب کردی / هادی بیدکی / ۱۷۹
- اربعین‌نگاری صوفیان: بررسی و تصحیح اربعینات منظوم از قطب محیی کوشکناری / احسان پورابریشم / ۱۹۹



فهرست

- سخن سردبیر..... ۵
- تور در متون پهلوانی ایران و معرفی «داستان تور بن جهانگیر» / رضا غفوری ۹
- کلمات مختوم به «-ای» و «-وی» در متون قدیم فارسی... / مسعود راستی پور..... ۲۷
- «جامع الحساب»: اثری فارسی منسوب به نصیرالدین طوسی در حساب هوایی / فاطمه سادات سعادت‌مند..... ۴۹
- اقتباس شیرعلیخان لودی از «جامع الصنایع والاوزان» سیف جام هروی و... / امید شاه‌مرادی..... ۷۳
- سابقه پیوند وزن شعر و موسیقی در متون کهن / بهراد بنایی..... ۸۵
- «گرشاه‌نامه»: تلفیق شاهنامه و گرشاسب‌نامه در برخی از دست‌نویس‌ها... / علی اصغر ابراهیمی وینیچه..... ۱۱۹
- احتمال الحاقی بودن غزلی مشهور در دیوان حافظ / امیر شفقت..... ۱۴۱
- دو نسخه کهن به‌یغمارفته از منظومه «دولرانی خضرخان»... / مهدیه اسدی و بیژن ظهیری ناو..... ۱۵۷
- روایات لیلی و مجنون در ادبیات مکتوب کردی / هادی بیدکی..... ۱۷۹
- اربعین‌نگاری صوفیان: بررسی و تصحیح اربعینات منظوم از قطب محیی کوشکناری / احسان پورابریشم ۱۹۹
- چکیده انگلیسی / مجدالدین کیوانی..... 3

روایات لیلی و مجنون در ادبیات مکتوب کردی

هادی بیدکی*

چکیده

بیش از نه روایت مکتوب از داستان لیلی و مجنون در ادبیات کردی وجود دارد که اغلب آنها در پیروی از نظامی گنجوی و مقلدان او به نظم و نثر درآمده است. از این آثار، چهار روایت متعلق به گویش کرمانجی در مناطق کردنشین ترکیه و شمال خراسان است که تنها شاعر و مترجم دو روایت از آن مشخص است، اما پنج روایت دیگر مربوط به گویش گورانی رایج در کردستان ایران است. از میان روایات کرمانجی و گورانی به ترتیب دو روایت حارث بدلیسی و خانای قبادی از شهرت و تفصیل بیشتری برخوردارند. در این مقاله سعی شده تا با شناسایی و معرفی روایات لیلی و مجنون کردی هم گستره نفوذ لیلی و مجنون نظامی در ادب کردی بر اهل پژوهش معلوم شود و هم برخی از شاعران کردزبان گمنام و سهم آنها در اتصال ادب فارسی و کردی برای جامعه علمی ما شناخته شود.

کلیدواژه‌ها: لیلی و مجنون، روایت، ادبیات کردی، کرمانجی، گورانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

در تقسیم بندی تاریخ ادبیات فارسی طبق انواع ادبی، بدون تردید برخی از شاعران مبدع یکی از انواع ادبی به شمار می‌روند. به عنوان مثال، شعر روایی در تاریخ ادب فارسی پیشینه کهنی دارد و آثار روایی متعددی را سراغ داریم که در موضوعات مختلفی سروده شده‌اند؛ اما نظامی گنجوی نخستین شاعری بود که توانست در قرن ششم هجری با سرودن پنج اثر روایی در موضوعات نسبتاً متفاوت، طرز ادبی تازه‌ای به نام خمسه‌سرایی ابداع کند. خمسه نظامی پس از او مورد توجه بسیاری از شاعران قرار گرفت و سرایندگان متعددی با تأثیرپذیری از نظامی در خمسه‌سرایی طبع‌آزمایی کردند که اغلب آنها پایبند تقلید صرف نشدند و در جزئیات داستان‌ها تغییراتی دادند. البته، شاعران متأثر از نظامی دو گروه بودند: نخست آنهایی که، به پیروی از او، پنج منظومه یا بیشتر، به نظم درآوردند. دوم، آنانی که تنها به استقبال یک یا دو اثر نظامی رفتند. دامنه تأثیر نظامی چنان گسترده است که تاریخ ادبیات فارسی را درنور دیده و به تاریخ ادبیات ترکی نیز رسیده است؛ همان‌طور که امیر علی شیر نوایی به عنوان پدر شعر ترکی جغتایی توانست یک خمسه ترکی در برابر خمسه نظامی بسراید.

در تاریخ ادبیات کردی نیز شاعران زیادی را سراغ داریم که توانسته‌اند یک یا چند منظومه از خمسه نظامی را نظیره‌گویی کنند یا لااقل آنها را به کردی ترجمه کنند. در این میان، لیلی و مجنون نظامی یکی از آثار پرطرفدار در میان شاعران کرد است که چند بار به نظم کردی درآمده است. برخی از این شاعران روایت لیلی و مجنون را مستقیماً از نظامی برگرفته‌اند و بعضی دیگر آمیزه‌ای از روایت نظامی و مقلدان او را به نظم درآورده‌اند. البته جزئیات داستانی اغلب روایات لیلی و مجنون کردی توسط شاعران آنها دستخوش تغییر، حذف یا اضافه شده است؛ بنابراین، نمی‌توان آنها را تقلید صرف به شمار آورد.

تاکنون اندکی از روایات لیلی و مجنون کردی تصحیح و چاپ شده و محتوای آنها در خلال چند مقاله با لیلی و مجنون نظامی مقایسه شده که در این مقاله ذیل هر روایت به آنها مراجعه شده است. اما همه روایات کردی در پژوهشی کاملاً مرتبط و مستقل معرفی نشده‌اند و ظاهراً نخستین بار معروف خزنده‌دار در ۱۹۷۶م در مقاله‌ای با عنوان «الروایة

الشعرية لیلی و مجنون فی الادب الکردی» تنها پنج روایت کردی از لیلی و مجنون را همراه با ترجمه‌های اخیر آن معرفی کرده است. پس از خزنده‌دار، سیاوش مرشدی نیز در ۱۳۹۶ش در مقاله‌ای به نام «نظیره‌های کردی خمسۀ نظامی»، دو روایت از لیلی و مجنون کردی را نام برده که یکی از آنها فقط در حد یک انتساب اشتباه است. پس از گذشت حدود نیم قرن از چاپ مقاله خزنده‌دار، روایات کردی بیشتری از لیلی و مجنون شناسایی شده که حتی چهار سال پیش، مرشدی نیز نتوانسته در مقاله خود برخی از آنها را معرفی و حداقل به مقاله خزنده‌دار مراجعه کند!

بنابراین، در مقاله حاضر سعی شده که روایات لیلی و مجنون در ادبیات کردی به حدی نسبتاً کامل معرفی شود تا از یک‌سو، گسترۀ تأثیرگذاری لیلی و مجنون نظامی و مقلدان او در ادبیات کردی معلوم شود و از دیگرسو، روایات متعدّد کردی از لیلی و مجنون برای پژوهشگران شناسایی و معرفی شود؛ به امید اینکه گامی کوچک باشد برای مصححان و محققان که به تصحیح روایات لیلی و مجنون کردی بپردازند و متون مبدأ و مقصد را با هم مقایسه کنند. البته تمرکز این مقاله تنها بر روایاتی از لیلی و مجنون کردی است که متن آنها مکتوب و موجود و مربوط به قبل از قرن ۱۴ق است. توصیف محتوایی هریک از روایات کردی مجال بیشتری می‌طلبد.

۲. بحث و بررسی

بخش قابل توجهی از آثار منظوم و منثور شاعران و نویسندگان کردزبان در طول تاریخ ادبیات کردی متأثر از ادبیات فارسی بوده است. کردی یکی از شاخه‌های کهن زبان‌های ایرانی است و در میان بیش از بیست میلیون کرد در جهان رایج است. کردها غالباً در بخش‌هایی از کشورهای ایران، عراق، ترکیه، سوریه و برخی کشورهای جداشده از شوروی سابق سکونت دارند و زبان گفتاری و نوشتاری بیشتر آنها کردی است، اما زبان کردی خود شامل سه شاخه اصلی است: ۱. گروه شمالی که گویش بیش از دوازده میلیون کرد است و خود شامل دو گروه غربی و شرقی است: الف) گویش گروه غربی که به کُرم‌انجی معروف است و در میان کردهای ترکیه و سوریه و لبنان و آذربایجان غربی و شمال خراسان رایج است؛

ب) گویش گروه شرقی که به بادینانی موسوم است و در میان برخی از کشورهای جداشده از شوروی و شمال غربی عراق و موصل کاربرد دارد. ۲. گروه مرکزی که در شمال شرقی عراق و کردستان ایران رایج و به سورانی معروف است. ۳. گروه جنوبی که از تعدادی گویش متفاوت و ناهمگون مانند کرمانشاهی، سنجایی، کلهری، لکی و... تشکیل شده است (نک. بلو، ۱۳۸۷: ۵۴۱/۲-۵۵۴). البته بر سر زبان کردی و شاخه‌های آن میان محققان اختلاف نظر وجود دارد که برشمردن همه آن نظرات از حوصله این نوشتار بیرون است. به‌عنوان مثال، حسینی آباریکی (۱۴۰۰ «الف»: ۱۸-۱۹) معتقد است که زبان کردی شامل چهار شاخه است: ۱. کرمانجی شمالی ۲. کرمانجی جنوبی (سورانی) ۳. گورانی، اورامی و زازا ۴. کردی جنوبی.

پیشینه سرودن لیلی و مجنون به زبان کردی به قرن ۱۲ق می‌رسد؛ نسخه‌های خطی این روایات نیز اغلب مربوط به قرن ۱۳ق است. متأسفانه، از شاعران روایات کردی اطلاعات دقیق و کافی نیز یافت نشده و اطلاعات موجود نیز بعضاً ضد و نقیض و مبتنی بر حدس و گمان است، چراکه در تاریخ ادبیات کردی برخلاف تاریخ ادبیات فارسی یا عربی، تذکره موثق و کهنی وجود ندارد که به زندگی نامه شاعران کردزبان پرداخته باشد. دقیقاً به همین دلیل است که سرایندگان برخی از روایات لیلی و مجنون کردی نیز معلوم نیستند و یا بر سر هویت آنها اختلاف نظر وجود دارد. همچنین، برخی از نسخه‌های خطی این روایات از آغاز یا انجام افتادگی دارد و این نقیصه شناسایی سرایندگان و آثارشان را مشکل‌تر می‌کند. روایات لیلی و مجنون کردی بیشتر به دو گویش کرمانجی و گورانی سروده شده‌اند؛ سرایندگان منظومه‌های کرمانجی یا از ساکنین مناطق کردنشین ترکیه و خراسان و یا از اهالی کردستان ایران و عراق هستند. از میان روایاتی که در این مقاله معرفی شده، چهار روایت به گویش کرمانجی و پنج روایت به گویش گورانی است:

۲-۱. روایات کرمانجی

از چهار روایت کرمانجی لیلی و مجنون، دو روایت اقدم و متعلق به شاعران مناطق کردنشین ترکیه است و دو روایت دیگر متأخر و مربوط به سرایندگان کردزبان شمال خراسان است. متن هر دو روایت نخست کامل و یکی به نظم و دیگری به نثر است، اما متن دو

روایت اخیر ناقص است و ظاهراً شاعران یا مترجمان آنها نتوانسته یا نخواسته‌اند که اثرشان را کامل کنند.

۲-۱-۱. روایت حارث / سوادى بدلیسی: این روایت تاکنون حداقل سه بار خارج از

ایران به چاپ رسیده است: اول، به همت مارگاریتا باریسونا رودنکو در مسکو به سال ۱۹۶۵م بر اساس نسخه خطی محفوظ در مجموعه الکساندر ژابا به شماره ۳۰؛ دوم، به کوشش سلمان دلوانی در استانبول بر اساس نسخه خطی مورخ ۱۲۸۶ق؛ و سوم، به اهتمام تحسین ابراهیم دوسکی در دهوک به سال ۲۰۰۴م بر اساس هر دو چاپ بالا و نیز نسخه خطی مورخ ۱۴۰۰ق (بدلیسی، ۲۰۰۴: ۱۹).

اثر بدلیسی با این دو بیت آغاز شده است:

فهرست کتاب ناو معبود قیوم و قدیم و حى و موجود

بى شبه و مثال و عدل و خالق سزنده ممکنات و فـالق

بدلیسی از کرمانج‌های ولایت بدلیس، یکی از استان‌های شرقی ترکیه است که در گوشه شرقی دریاچه وان قرار دارد. شاعران و نویسندگان کرد نامداری از ولایت بدلیس برخاسته‌اند که مشهورترین آنها دو تاریخ‌نگار معروف، ادريس بدلیسی، مؤلف هشت‌بهشت و شرف‌خان بدلیسی، مؤلف شرفنامه هستند که در قرون دهم و یازدهم هجری در بدلیس نشو و نما یافته‌اند.

از بدلیسی، علاوه بر لیلی و مجنون، اشعار دیگری مانند قصیده نیز باقی مانده که در آنها «سوادى» تخلص کرده (السلفى و دوسكى، ۲۰۰۸: ۱۱۳-۱۱۴) و ذکر این تخلص در صدر برخی از نسخه‌های خطی لیلی و مجنون باعث شده تا برخی تصور کنند که حارث و سوادى دو شاعر جداگانه بوده‌اند که هر کدام داستان لیلی و مجنون را به نظم درآورده‌اند. همچنین، دو نسخه خطی از یوسف و زلیخا به کرمانجی شناسایی شده که متن آن قبل از حارس توسط سلیم سلیمان به نظم درآمده است، اما حارث کلمات کرمانجی را در حواشی نسخه با واژگان فارسی و عربی اثر سلیم جایگزین کرده تا فهم داستان برای کردها راحت شود (کردویف، ۱۳۹۴: ۱۴۷).

کردویف (همان‌جا) با استناد به ژابا و رودنکو معتقد است که «حارث» نام یا تخلص

بدلیسی بوده، اما دوسکی بر این باور است که استناد آنها به بیت زیر از لیلی و مجنون است که در آن «حادث» را اشتباهاً «حارث» خوانده‌اند (بدلیسی، ۲۰۰۴: ۱۲):

حادث چه مدح که بوقدیمی ممنوع مثاله بسوعدیمی
به عقیده دوسکی، تخلص بدلیسی در شعر «سوادى» بوده و در ترقیمه یکی از نسخه‌های خطی لیلی و مجنون نیز به این تخلص اشاره است: «تمت المختصرة المنظومة بالکردی من قصة مجنون و لیلی علی يد أحقر العباد، سوادى قد حررها لأجل لؤلؤ عمان الوزارة عبدالله پاشا» (همان: ۱۲-۱۳). علاوه بر این، در صدر یکی از نسخه‌های خطی لیلی و مجنون بدلیسی چنین مذکور است: «هذه الرسالة المسماة بلیلی و مجنون نظمه السوادى» (بدلیسی، لیلی و مجنون: گاپ).

کردویف (۱۳۹۴: ۱۴۸) به نقل از رودنکو اعتقاد دارد که بدلیسی لیلی و مجنون را در پی دلدادگی به دختری کرد به نظم درآورده است، اما بدلیسی از شاعران درباری بوده و با امرای بدلیس معاشرت داشته است چراکه در در ابیات ابتدایی لیلی و مجنون، امیر بدلیس، امین یوسف را مدح کرده و افزوده است که پس از امین یوسف، پسرش عبدالله‌خان بر تخت نشست و چون عبدالله‌خان زبان فارسی را بلد نبود، از بدلیسی خواست که داستان لیلی و مجنون را به کرمانجی بسراید (بدلیسی، ۲۰۰۴: ۱۳-۱۶، ۳۷-۴۳).

کردویف (۱۳۹۴: ۱۴۷-۱۴۸) به نقل از رودنکو تاریخ سرودن لیلی و مجنون بدلیسی را بین ۱۷۵۸-۱۷۵۹م (۱۱۷۱-۱۱۷۳ق) تخمین زده است و دوسکی بین دو تاریخ ۱۱۶۲ و ۱۱۷۲ق مردّد مانده است (بدلیسی، ۲۰۰۴: ۱۷-۱۸). ریشه این اختلاف نظر ناشی از تاریخ سرایش لیلی و مجنون به حساب ابجد در یکی از ابیات بدلیسی در اوایل لیلی و مجنون است:

مغزی دو و لیو و سعی سینه تاریخ ژوی لو «مغز سینه»
در این بیت کلمه «سینه» در برخی از نسخه‌های خطی لیلی و مجنون بدلیسی به «سنه» تبدیل شده که باعث بروز اختلاف بین دو تاریخ ۱۱۷۲ و ۱۱۶۲ق شده است: مغز = ۱۰۴۷ + سینه = ۱۱۷۲ / سنه = ۱۱۶۲.

۱-۲. روایت ملا محمود بایزیدی: این روایت تاکنون تصحیح و چاپ نشده، اما

نسخه خطی آن ضمن مجموعه الکساندر ژابا به شماره ۳۱ محفوظ است. متن در ۱۲۷۴ق استنساخ شده و ۸۶ برگ دارد (بایزیدی، لیلی و مجنون: ص ۱۷۱). این اثر در واقع ترجمه منثور لیلی و مجنون فضولی بغدادی (د. ۹۶۳ق) است که نام مترجم در نسخه خطی آن مذکور نیست، اما خزنده‌دار (۱۹۷۶: ۲۱۳) آن را به ملا محمود بایزیدی نسبت داده است. این نسخه برای الکساندر ژابا به کرمانجی ترجمه و کتابت شده و ممکن است دلیل انتساب این ترجمه به ملا محمود شباهت خط نسخه با بقیه نسخه‌هایی باشد که کاتب آنها ملا محمود بوده است.

با وجود این که لیلی و مجنون بدلیسی بیش از یک قرن قبل از ملا محمود در میان کردها رواج داشته، اما دقیقاً معلوم نیست که چرا ملا محمود در پایان ترجمه منثور خود اشاره کرده که داستان لیلی و مجنون فقط به زبان فارسی و ترکی سروده شده و انگیزه او برای ترجمه کرمانجی اثر فضولی، فقدان روایتی به کرمانجی بوده است!

ملا محمود از کرمانج‌های ساکن ترکیه در قرن سیزدهم هجری است که سهم زیادی در حفظ و احیای متون کرمانجی داشته است، زیرا وقتی الکساندر ژابا در فاصله سال‌های ۱۸۳۶-۱۸۶۹م کنسول روسیه در ترکیه بود، توانست با کمک ملا محمود برخی از نسخه‌های خطی کرمانجی را در شهرهای ارزروم و ازمیر گردآوری کند. بنابراین، ملا محمود برای ژابا هم برخی از نسخه‌های کرمانجی را رونویسی کرد و هم شماری از متون را به کرمانجی برگرداند (ابراهیم شریفی، ۱۳۹۷: ۶).

۲-۱-۳. روایت ناشناس: نسخه‌ای عکسی از این روایت که تاکنون تصحیح و چاپ نشده، در اختیار نگارنده این مقاله است که ۱۴ برگ دارد و اگرچه طبق ترقیمه نسخه، متن منظومه در سال ۱۳۵۵ق کتابت شده است اما هم خط متن و ترقیمه آن یکسان نیست (ظاهراً ترقیمه بعداً اضافه شده) و هم خط متن نسخه از خط ترقیمه الحاقی آن کهن‌تر است. این روایت با دو بیت زیر آغاز می‌شود:

الله تو بکه لمن شفقت	از بکم گفتار روایت
لیلی که له مکتب گذر کر	عشق هوس لوی اثر کر
	(لیلی و مجنون، ملکی نگارنده: ص ۱)

و نخستین بار کلیم‌الله توحّدی آن را معرفی کرده است. متن این منظومه شامل ۴۸۹ بیت کرمانجی و ترکی است که از ۱۶۰ بیت اول آن، ۱۴۹ بیت به کرمانجی و ۱۱ بیت به ترکی است و تعداد ابیات کرمانجی آن کلاً ۱۶۲ بیت است (توحّدی، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

توحّدی (همان: ۱۵۱، ۱۵۳) متن این منظومه را به فضولی بغدادی نسبت داده و معتقد است که فضولی داستان لیلی و مجنون را علاوه بر زبان ترکی، به گویش کرمانجی نیز برگردانده و در پایان هر بند فضولی تخلص کرده، ولی روایت کرمانجی به مرور از بین رفته و روایت ترکی جایگزین آن شده است. با وجود این، سه نکته شک برانگیز در بیانات توحّدی وجود دارد: اولاً، اگر بپذیریم این منظومه از فضولی و فضولی نیز کرمانج بوده است، طبیعتاً فضولی باید از کرمانج‌های آذربایجان غربی و نیمه شرقی ترکیه بوده و گویش این روایت نیز شبیه به کرمانجی رایج در همان مناطق بوده باشد، درحالی‌که گویش این منظومه مطابق با کرمانجی شمال خراسان است که تفاوت‌های ریز و درشتی با کرمانجی آذربایجان و ترکیه دارد و کاملاً آشکار است که یکی از کرمانج‌های خراسان آن را به نظم درآورده است. ثانیاً، اگرچه در صفحات نسخه به نام مالک آن اشاره نشده اما اگر بپذیریم که بوغانلو صاحب نسخه بوده، بعید نیست که خود او کاتب و چه بسا ناظم منظومه بوده باشد؛ زیرا بوغانلو نام یکی از طوایف کرمانج در شمال خراسان است و احتمالاً صاحب، کاتب و یا ناظم این منظومه هم یکی از اعضای این طایفه کرمانج بوده که گویش آنها با گویش اثر مذکور کاملاً تطابق دارد. ثالثاً، احتمال دارد که این منظومه نیز مانند روایت منشور - که پیش‌تر ذکر آن رفت - ترجمه ناقصی از لیلی و مجنون فضولی باشد که یکی روایتی ناقص به کرمانجی خراسان است و دیگری روایتی کامل به کرمانجی ترکیه.

۲-۴. روایت ناشناس: نخستین بار کلیم‌الله توحّدی (۱۳۹۲: ۱۵۷) یک نسخه خطی ناقص از این روایت را که تاکنون تصحیح و چاپ نشده است، معرفی کرد که متن نسخه طبق ترقیمه آن، توسط ملا الله پناه فرزند ملا محمدباقر لایینی، از اولاد اوجاق‌زاده طایفه بابانلو استنساخ شده است. این روایت با دو بیت زیر:

أو نامه که خوامه بنا کر امید له روضه رضا کر
هر ناوژه نیشانی الهی له صنعت قدرت گواهی

آغاز شده و با این‌که از تاریخ کتابت آن فقط ۱۲۸ قابل خواندن است، توحدی آن را بدون هیچ تردیدی ۱۱۲۸ ق دانسته است، در حالی که خط این نسخه متأخرتر از تاریخ مذکور است و به خط مستعمل در ۱۲۸۰-۱۲۸۹ ق شباهت بیشتری دارد.

آشکار است که گویش این روایت مطابق با کرمانجی خراسان است و متن آن را یکی از شاعران شمال خراسان منظوم کرده است. نکته جالب این روایت، در مقایسه با منظومه نظامی این است که شاعر پیشینه آشنایی و دلدادگی لیلی و مجنون را به دوران شیرخوارگی مجنون رسانده و لیلی را از لحاظ سنی چند سالی بزرگ‌تر از مجنون دانسته است: آنجایی که مجنون در شیرخوارگی بی‌قراری و تب می‌کند و در آغوش مادر و بستگان آرام نمی‌گیرد تا این‌که مادر مجنون او را به خیمه پدر لیلی می‌برد. در این میان، لیلی از گریه مجنون متأثر شده او را در آغوش می‌گیرد و مجنون نیز فوراً ساکت می‌شود و چندان به او دل بسته می‌شود که نمی‌تواند مجنون را از لیلی جدا کنند (همان: ۱۵۸).

۲-۲. روایات گورانی

گویش گورانی یا اورامی تا پیش از این‌که گویش سورانی معیار زبان و ادب کردی شود، در متون نظم و نثر حوزه جنوبی مناطق کردنشین کردستان به کار رفته و تاکنون آثار متعددی با گویش مذکور از شاعران و نویسندگان کرد زبان باقی مانده است (حسینی آبیاریکی و مهدوی‌فر، ۱۳۹۳: ۶۹-۷۰). در این بخش پنج روایت از لیلی و مجنون گورانی معرفی شده که از میان این روایات، ظاهراً روایت خانای قبادی نسبت به بقیه روایات مفصل‌تر و مشهورتر است.

۲-۲-۱. روایت ملا محمدقلی کندوله‌ای: این روایت تاکنون تصحیح و چاپ نشده، اما

دو نسخه خطی از آن شناسایی شده است:

اول، مجموعه محفوظ در کتابخانه دولتی برلین به شماره Ms.or.oct.1198 که محمدصادق بن محمد آن را در ۱۲۹۶ ق در برگ‌های ۱-۸۴ کتابت کرده و متن آن با این ابیات آغاز شده است:

یا حی بیچون دهنده داور

یا حی داور یا حی داور

یا شفاعت‌خوای روی دشت محشر

یا خالق نور پاک پیغمبر

بذات پاکت پادشای بیچون اظهار کین شرحی جه لیلی و مجنون
(Fuad, 1970: 73).

دوم، مجموعه محفوظ در کتابخانه دولتی برلین به شماره Ms.or.oct.1184 که ۴۶ برگ دارد و کاتبی ناشناس آن را در ۱۸۷۰ م. با خط نستعلیق کتابت کرده و متن موجود آن با ابیات آغاز شده است:

بدل نواشته مشی چنیشان بی خود مکیلا خاطر پریشان
چون میلش نبی بنشاطوه بغمگین مشی هم مهاتوه
(ibid: 55)

طبق ترقیمه نسخه دوم (۳۲ر)، ملا محمدقلی لیلی و مجنون خود را در ۱۱۴۵ق به نظم درآورده، اما چون اصل یا عکس نسخه آن در دسترس نیست، جزئیات دیگری از محتوای اثر و زندگی نامه شاعر آن به دست نیامد. فهرست نویسنده نسخه اول سراینده منظومه را مشخص نکرده (Fuad, 1970: 73)، اما خزنده دار (۱۹۷۶: ۲۱۲) همین نسخه را مانند نسخه دوم از ملا محمدقلی دانسته است؛ اگر چنین باشد، شاید نسخه اول از انجام و نسخه دوم از آغاز افتادگی داشته باشد.

۲-۲-۲. روایت خانان قبادی: این روایت تاکنون حداقل سه بار در ایران و خارج از آن چاپ شده است: اول، به کوشش غفار ابراهیمی در سلیمانیه عراق به سال ۲۰۱۱م؛ دوم، با تلاش کاروان عثمان خیاط و عبدالله حبیبی نوتشه‌ای در سنندج به سال ۱۳۹۵ش؛ و سوم، به همت غفار ابراهیمی و بیان عبدی در تهران به سال ۱۳۹۸ش. متن این روایت با این دو بیت آغاز شده است:

بنام او کس بکن فیکون عالمش جه کتم عدم کرد بیرون
محض خاطر آن سید الکونین محمد فاتح خیبر و حنین
(قوبادی، ۲۰۱۱: ۳۳)

لیلی و مجنون خانان از لحاظ وزنی مبتنی بر ابیات ده هجایی است که در ۱۱۵۴ق. به نظم درآمده (صفی‌زاده، ۱۳۸۰: ۸۸۳/۲) و ابیات آن در نسخه‌های خطی بین ۱۶۴۴-۱۶۵۷ بیت ثبت شده است.

سال تولد و فوت خانان مورد اختلاف است. السلفی و دوسکی (۲۰۰۸: ۱۲۳) دوران زندگانی او را بین ۱۰۸۳-۱۱۶۸ق و احمدی و سالم (۱۳۹۳: ۱۶) در فاصله ۱۱۱۵ تا ۱۱۹۱ق تخمین زده‌اند. به عقیده السلفی و دوسکی (۲۰۰۸: ۱۲۳)، خانان ظاهراً از گردهایی است که در روستای درنی متولد شده و در قلمرو امرای بابان درگذشته است. اما به باور احمدی و سالم (۱۳۹۳: ۱۸) خانان از نوادگان شاهان باجلان بوده که علاوه بر کردی، بر دو زبان فارسی و عربی نیز تسلط داشته است. آنها نقل کرده‌اند که خانان برخی از آیات قرآن را به کردی برگردانده، اما ملاًها بر او خشم گرفته‌اند و خانان مجبور شده زادگاهش را ترک و به قلمرو امرای بابان کوچ کند. روایت دیگری نیز وجود دارد که طبق آن خانان پس از رهایی از زندان، در عهد امرای اردلان به سنج مهاجرت کرده و تا آخر عمر در آنجا مانده است (همان‌جا).

خانان علاوه بر لیلی و مجنون آثار دیگری هم دارد که عبارتند از: خسرو و شیرین، یوسف و زلیخا، اسکندرنامه و دیوان اشعار (السلفی و دوسکی، ۲۰۰۸: ۱۲۴). احمدی و سالم (۱۳۹۳: ۱۸) شمار اشعار خانان را این‌گونه برآورد کرده‌اند: دیوان اشعار ۱۰۰۵ بیت، خسرو و شیرین ۵۵۲۶ بیت و یوسف و زلیخا ۳۵۱۹ بیت. خانان منظومه دیگری نیز دارد با عنوان سلطان ابراهیم و نوش آفرین.

۲-۲-۳. روایت میرزا شفیع کلیایی: این روایت یک بار توسط امین گجری به سال ۱۳۸۰ش. در تهران با عنوان نوفل و مجنون چاپ شده و متن آن با این دو بیت آغاز شده است:

خانان شکار کرد یکرورژ شای نوفل عزم شکار کرد
قویله نه قوم عرب سوار کرد شکار ماسان سفید تبار کرد
(کلیایی، ۱۳۸۰: ۱)

روایت میرزا شفیع شامل کل داستان لیلی و مجنون نیست، بلکه میرزا تنها بخش نوفل و مجنون را از اصل داستان به شعر درآورده است. به عقیده حسینی آباریکی (۱۴۰۰: «ب»):
(۱۰۴)، غفار ابراهیمی منظومه میرزا شفیع را به اشتباه بخشی از لیلی و مجنون خانان قبادی پنداشته و متن اثر میرزا را با متن منظومه خانان آمیخته و چاپ کرده است، درحالی که تخلص

شاعر در نسخه مورد استفاده ابراهیمی عیناً «شفیع» ذکر شده است. پس از تطبیق ابیات آغازین نوفل و مجنون میرزا با متن لیلی و مجنون خانا (۲۰۱۱: ۷۵)، معلوم شد که محتوای اثر میرزا در منظومه خانا ذیل عنوان «آمدن نوفل شاه به شکار و آگاه شدن از کار مجنون و لشکر کشیدن به جنگ عامری» مذکور است.

از روایت میرزا شفیع چند نسخه خطی شناسایی شده است:

اول، مجموعه محفوظ در کتابخانه دولتی برلین به شماره Ms.or.oct.1199 که کاتبی ناشناس آن را در ۱۲۰۱ق در برگ‌های ۳۵-۵۶ کتابت کرده است. این نسخه کتاب نوفل نام دارد و آغاز آن، با اندکی تفاوت، با چاپ گجری یکسان است (Fuad, 1970: 79, 81-82).

دوم، نسخه محفوظ در کتابخانه دولتی برلین به شماره Ms.or.oct.1162 که ۳۲ برگ دارد و توسط ملا رضا کندوله‌ای در ۱۳۱۱ق کتابت شده است. این نسخه لیلی و مجنون نام دارد و آغاز آن، با اندکی تفاوت، با چاپ گجری یکسان است (ibid: 26-27).

سوم، نسخه محفوظ در کتابخانه دولتی برلین به شماره Ms.or.oct.1170 که ۱۵ برگ دارد و میرزا قلی هرسینی آن را در ۱۳۲۰ق کتابت کرده است. این نسخه لیلی و مجنون و نوفل شاه نام دارد و آغاز آن، با اندکی تفاوت، با چاپ گجری یکسان است (ibid: 35-36).

میرزا شفیع از شاعران کُردزبان اواخر قرن ۱۲ق و نیمه اول قرن ۱۳ق است که در ۱۱۶۹ق در روستای مامیزک از توابع سنقر کلیایی متولد شده است (حسینی آبیاریکی و مهدوی‌فر، ۱۳۹۳: ۶۷). او مدتی مستوفی دربار خسروخان اول (د. ۱۲۰۶ق)، والی اردلان بوده و در اشعار خود این امیر را مدح کرده است (مردوخ روحانی، ۱۳۸۲: ۱/۲۶۶). میرزا شفیع در اشعار خود گاه «شفیع» و گاهی «حاجی» تخلص نموده و با الماس‌خان کندوله‌ای، حماسه‌سرای کُردزبان قرن ۱۲ق مکاتبه و مشاعره داشته است (همان‌جا). به عقیده صفی‌زاده (۱۳۸۰: ۱۱۱۶/۲)، میرزا شفیع در ایام جوانی علوم ادبی را در سندج فراگرفت و فقه و حکمت را در سفر به پاوه و قره‌داغ آموخت. سپس به زادگاهش بازگشت و زندگانی را به تدریس، کشاورزی و دامداری گذراند. مردوخ روحانی (۱۳۸۲: ۱/۲۶۷) بر این باور است که میرزا شفیع تا اواخر قرن ۱۲ق در قید حیات بوده، اما حسینی آبیاریکی (۱۴۰۰: «ب»: ۱۰۳) معتقد است که او حداقل تا ۱۲۱۰ق در قید حیات بوده است.

آثار متعددی به میرزا شفیع منسوب شده است، اما حسینی آبیاریکی (۱۴۰۰ «ب»):
۱۰۴-۱۰۷) آثار قطعی او را چنین برشمرده است: نوفل/ نوفل نامه/ نوفل و مجنون، شیرین و
فرهاد و دیوان اشعار.

۲-۲-۴. روایت ده سیونانی: از این روایت که تاکنون تصحیح و چاپ نشده، چند نسخه
خطی شناسایی شده است:

اول، مجموعه محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۴۱۸۱ که میرزا
محمدصادق آن را در ۱۲۹۸ق در برگ‌های ۱۲۷ر-۱۸۶پ کتابت کرده و متن آن با این
ابیات آغاز شده است:

بنام خدای جهان پیدا کر بلبلان جه عشق شیت شیدا کر
جه صنعش تمام نامداران ماتن نقاشان جه نقش او خجلاتن
(لیلی و مجنون، مرکزی: گ ۱۲۷پ)

دوم، نسخه محفوظ در کتابخانه دانشگاه لُس آنجلس به شماره W.216/1 که کاتبی
ناشناس آن را در قرن ۱۳ هجری همراه با شیرین و فرهاد کردی کتابت کرده و آغاز آن با
نسخه اول یکسان است (دانش پژوه، ۱۳۶۲: ۱۱-۱۲/۷۵۵).

سوم، مجموعه محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی تهران به شماره ۱۷۷۶۹ که
کاتبی ناشناس آن را به تفاریق در ۱۳۰۵، ۱۳۰۹ و ۱۳۱۵ق در برگ‌های ۱۴۲پ-۱۴۵ر
کتابت کرده و متن و آغاز آن با نسخه اول یکسان است (لیلی و مجنون، مجلس،
ش ۱۷۷۶۹: گ ۱۴۲پ).

چهارم، نسخه محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی تهران به شماره ۱۷۶۷۸ که
کاتبی ناشناس آن را در قرن ۱۳ هجری در ۵۵ برگ کتابت کرده و متن موجود آن با بیت آغاز
شده است:

جلی دا جمین زلفان دست و پیل پی غزای قاتل قیس ارا کیل
(لیلی و مجنون، مجلس، ش ۱۷۶۷۸: ص ۱)

که بیت مذکور یکی از ابیات ذیل عنوان «هجران کشیدن لیلی از دوری مجنون» در نسخه
اول است و عنوان بعدی که در هر دو نسخه تکرار شده، «تدارک سنت کردن مجنون» نام
دارد.

از هویت سراینده این روایت اطلاع کافی و دقیقی در دست نیست، جز این که فقط فهرست نویس نسخه خطی دانشگاه لس آنجلس او را «ده سیونانی» نامیده است.

۲-۲-۵. روایت ملا ولدخان: این روایت تاکنون تصحیح و چاپ نشده، اما چند نسخه

خطی از آن شناسایی شده است:

اول، نسخه شخصی عزیز پناهی توتشامی که خود آن را در ۱۳۷۵ ش و در ۱۵ صفحه

کتابت کرده و متن موجود آن با این ابیات آغاز شده است:

کوچ شو میل کرد^۱ یک شو عامرشاه کوچ شو میل کرد
دوست لیلی داشت دوستخواهی لیل کرد شو کوچ صحرایی دشت دجیل کرد
وات مبادا صیون شراره شرر نه رخته کتان لیلی کی گذر
پشویو کی حالات نیکو حال لیل سان چطر و زلف گیسو خال لیل
(گوران، لیلی و مجنون: ص ۱)

دوم، مجموعه محفوظ در کتابخانه دولتی برلین به شماره Ms.or.oct.1173 که ولی کرم

آن را در ۱۳۱۷ ق در برگ‌های ۳۱-۳۶ کتابت کرده و با اینکه نام شاعر مذکور نیست، اما آغاز آن با نسخه اول یکسان است (Fuad, 1970: 39, 41).

سوم، در ضمن مجموعه محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی تهران به شماره

۱۷۷۶۹ که کاتبی ناشناس آن را به تفاریق در ۱۳۰۵، ۱۳۰۹ و ۱۳۱۵ ق در برگ‌های ۱۲۴-۱۴۲ پ کتابت کرده و گرچه نام شاعر مذکور نیست، اما متن و آغاز آن با نسخه اول یکسان است (لیلی و مجنون، مجلس، ش ۱۷۷۶۹: گ ۱۲۴ پ).

چهارم، جزو مجموعه محفوظ در کتابخانه دولتی برلین به شماره Ms.or.oct.1176 که

رضا آن را در ۱۸۸۰ م در برگ‌های ۱-۹ کتابت کرده و متن آن از بیت چهارم نسخه اول آغاز شده است (Fuad, 1970: 43-44).

پنجم، نسخه شخصی علیرضا خانی که کاتبی ناشناس آن را در چند دهه اخیر کتابت

۱. در نسخ کردی رسم بر این بوده که وقتی جمله یا عبارتی در مصرع تکرار می‌شده، فقط یک بار آن را می‌نوشته‌اند و در حقیقت جمله مصرع اول دوبار تکرار شده که فقط یکبارش در نسخ نوشته شده است.

کرده و اگرچه متن آن در خلال عنوان به «ملا نجف» منسوب است، اما متن و آغاز آن با نسخه اول یکسان است (ملا نجف، لیلی و مجنون: ص ۱).

از میان نسخه‌های خطی ذکرشده، نام شاعر در نسخه اول «ولوخان»، در نسخه چهارم «ولدخان» و در بقیه نسخه‌ها بدون نام سراینده است. در پشت جلد نسخه اول مذکور است که شاعر این منظومه فرزند ملا شهاب کندی گوران بوده که جز لیلی و مجنون منظومه‌های کردی دیگری مانند دیوان اشعار، شیرین و فرهاد، یوسف و زلیخا و خورشید و خاور داشته است.

مردوخ روحانی (۱۳۸۲: ۲۳۷/۱) و السلفی و دوسکی (۲۰۰۸: ۱۳۴) ملا ولدخان گوران را از شاعران قرن ۱۲ق دانسته‌اند که منظومه شیرین و فرهاد را در ۱۱۵۰ق به نظم درآورده است. به عقیده سلطانی، ملا از شاعران معروف عهد افشار و زند است که در زمان انقلاب دوره زند به منطقه هرسین مهاجرت کرده و در روستاهای مابین بیستون و هرسین سکونت داشته است. سلطانی اثری درباره محاربات محمدحسن خان اردلان را از ملکه مراد ویس دانسته که به ملا ولدخان هم نسبت داده شده است (سلطانی، ۱۳۸۴: ۳/۱۵۰).

۲-۳. روایات مشکوک

علاوه بر نه روایتی که از لیلی و مجنون کردی معرفی شد، چند نسخه خطی دیگر از این داستان در فهرست‌های نسخه‌های خطی معرفی شده است، اما دقیقاً معلوم نیست که این متون روایتی مستقل از داستان لیلی و مجنون هستند یا یکی از روایات دیگر خلط شده‌اند:

۲-۳-۱. روایت ناشناس: این روایت تاکنون تصحیح و چاپ نشده، اما نسخه خطی

آن در کتابخانه موزه بریتانیا به شماره Add. 7829 محفوظ است که کاتبی ناشناس آن را در قرن ۱۹م در برگ‌های ۶۸پ-۱۳۴پ کتابت کرده و متن موجود آن با این ابیات آغاز می‌شود:

واحد بیچون حی بی‌همتا

.....^۱

آمین و آمین آیه هل اتا

رازق رزاق یگانه تنی

(Rieu, 1881: 2/728, 733)

۱. مصراع اول در فهرست ذکر نشده است.

۲-۳-۲. روایت ناشناس: از این روایت چاپ نشده، نسخه‌ای خطی در دارالمخطوطات عراق به شماره ۱۹۲۱۷ محفوظ است که محمدعلی قره‌داغی (۱۹۹۸): ۱۲۶/۱-۱۲۷) آن را معرفی کرده و ابیاتی از دو بخش آن را ذیل دو عنوان «در شرح وفات کردن لیلی و از دنیا به دارالقرار رفتن» و «رفتن کبوتر برجی و خبر بردن جهت پر خجسته از مرگ مجنون در کوه نجد» نقل کرده است.

۳-۳-۲. روایت ناشناس: از این روایت که تاکنون تصحیح و چاپ نشده، یک نسخه در کتابخانه دولتی برلین به شماره Ms. Or. Oct. 1158 محفوظ است که کاتبی ناشناس آن را در قرن ۱۹م در ۴۴ برگ کتابت کرده و متن موجود آن با این بیت آغاز شده است:

واتش سیابخت با بوی تونان دور ژ سر تورنجه رونان
(Fuad, 1970: 23-24)

۴-۳-۲. روایت احمد خانی: برخی از کردپژوهان مانند صفی‌زاده (۱۳۸۰: ۶۰۹/۲)، خضری (۱۳۸۸: ۳۶۷) و مرشدی (۱۳۹۶: ۱۲۰) روایتی از لیلی و مجنون را به احمد خانی نسبت داده‌اند، اما هیچ‌کدام از آنها مشخصات دقیقی از نسخه خطی یا چاپی آن ارائه نکرده‌اند تا بتوان درباره این انتساب نظر داد. البته احمد خانی اثری با عنوان مَم و زین دارد که داستان عاشقانه عاشق و معشوقی کرمانج است و شاعر آن را در وزن عروضی لیلی و مجنون نظامی سروده است. بنابراین، ممکن است که تشابه وزنی لیلی و مجنون نظامی و مَم و زین خانی باعث شده تا برخی تصور کنند که خانی نیز داستان لیلی و مجنون را به نظم درآورده است.

احمد بن الیاس، ملقب و متخلص به خانی (د. ۱۱۱۹ق) از شاعران مشهور ادبیات کرمانجی است که چند اثر به این زبان از او با عناوین زیر باقی مانده است: منظومه نوبهار شامل ۲۱۶ بیت و ۱۳ فصل برای تعلیم علم عروض به کودکان؛ منظومه عقیده‌نامه مشتمل بر ۷۳ بیت در شرح عقاید اسلامی؛ منظومه مَم و زین شامل ۲۶۵۷ بیت؛ دیوان اشعار مشتمل بر قصاید و غزلیات (السلفی و دوسکی، ۲۰۰۸: ۸۵، ۱۰۵، ۱۰۷-۱۰۸، ۱۱۰).

۳. نتیجه‌گیری

لیلی و مجنون نظامی گنجوی یکی از منظومه‌هایی است که آثار زیادی در پیروی از آن به نظم درآمده است. دامنه نفوذ این داستان چندان گسترده است که از مرزهای ادبیات فارسی به ادب ترکی و کردی نیز راه یافته است. در ادبیات کردی حداقل نُه روایت از لیلی و مجنون تألیف شده که جز یکی از آنها، همه به نظم است و نسخه خطی از آنها موجود است. از میان نُه روایت لیلی و مجنون کردی، چهار روایت به گویش کرمانجی است که از روایات کرمانجی، دو روایت در مناطق کردنشین ترکیه و دو روایت دیگر در میان کردزبانان شمال خراسان به نظم و نثر درآمده است. از میان چهار روایت کرمانجی، روایت بدلیسی از شهرت بیشتری برخوردار است و چند بار به چاپ رسیده است. اما سه روایت دیگر هنوز به نحو شایسته معرفی و منتشر نشده‌اند. پنج روایت دیگر نیز از لیلی و مجنون کردی وجود دارد که به گویش گورانی/ اورامی سروده شده‌اند و سه نسخه خطی دیگر نیز از داستان لیلی و مجنون وجود دارد که هویت آنها دقیقاً معلوم نیست.

منابع

- ابراهیم شریفی، شلیر (۱۳۹۷). «فهرست توصیفی نسخه‌های خطی کردی در مجموعه‌های سنت پترزبورگ». کشکول، س ۳، ش ۹: ۴-۱۸.
- احمدی، جمال و شنو سالم (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی لیلی و مجنون نظامی با لیلی و مجنون خاناقبادی». زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد سنندج، س ۶، ش ۱۹: ۱۵-۴۴.
- بایزیدی، محمود (ز. ۱۲۷۴ق). لیلی و مجنون. نسخه ش ۳۱ مجموعه الکساندر ژابا در کتابخانه عمومی سالتیکوف سنت پترزبورگ، ترجمه و کتابت ۱۲۷۴ق.
- بدلیسی، حارث (ز. ۱۱۷۲ق). لیلی و مجنون. نسخه خطی محفوظ در کتابخانه شخصی عبدالرقيب يوسف. سروده ۱۱۷۲ق، کتابت ۱۳۵۳ق.
- بدلیسی، حارثی (۲۰۰۴). له‌یلا و مه‌جنون. فه‌وژارتن و به‌رهه‌وکرنا ته‌حسین ئیبراهیم دوسکی. اربیل: سپیریز.
- بلو، جويس (۱۳۸۷). «کردی». در: راهنمای زبان‌های ایرانی. به کوشش رودیگر اشمیت. ترجمه آرمان بختیاری و همکاران. تهران، ققنوس: ۵۴۱/۲-۵۵۴.

- توحدی، کلیم‌الله (۱۳۹۲). هزار و یک شب کرمانج: فلسفه شعر و موسیقی کرمانج خراسان. مشهد: کلیم‌الله توحدی.
- حسینی آبیاریکی، سید آرمان و سعید مهدوی فر (۱۳۹۳). «روایتی دیگر از داستان نوفل و مجنون بر پایه نوفل‌نامه کردی گورانی از میرزا شفیع». ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین دانشگاه آزاد، ش ۱: ۶۵-۹۵.
- حسینی آبیاریکی، سید آرمان (۱۴۰۰ «الف»). شاهنامه فردوسی و منظومه‌های پهلوانی گورانی. تهران: تمثال.
- _____ (۱۴۰۰ «ب»). «معرفی نسخه‌های خطی و چاپی آثار میرزا شفیع کلیایی». کَشکول، س ۶، ش ۳: ۱۰۱-۱۳۶.
- خزنه‌دار، معروف (۱۹۷۶). «الروایة الشعریة لیلی و مجنون فی الادب الکردی». کلیة الآداب دانشگاه بغداد، ش ۲۰: ۲۰۵-۲۲۰.
- خصری، شهاب (۱۳۸۸). فرهنگ کتب و نشریات کردستان. سنج: کالج.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۶۲). «فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه لس‌آنجلس». در: نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: ج ۱۱-۱۱۲-۱/۷۷۲.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۸۴). حدیقه سلطانی، ج ۳. تهران: سها.
- السلفی، حمدی عبدالمجید و تحسین ابراهیم دوسکی (۲۰۰۸). معجم الشعراء الکرد. اربیل: سپیریز.
- صفی‌زاده، صدیق (۱۳۸۰). فرهنگ بوره‌که‌بی کردی به فارسی: دایرة‌المعارف کردی-فارسی، ج ۲: فرهنگ اعلام. تهران: پلیکان.
- قه‌رده‌اغی، محمه‌دعه‌لی (۱۹۹۸). بووژاندنه‌وه‌ی میژووی زانیانی کورد له ریگه‌ی ده‌ستخه‌ته‌کانیانه‌وه. به‌رگی به‌که‌م. به‌غدا: چاپخانه‌ی ومیض.
- قوبادی، خانا (۲۰۱۱). له‌یلا و مه‌جنون. ناماده‌کردن و لیکدانه‌وه‌غه‌فار ئیبراهیمی. سلیمانی: بنکه‌ی ژین.
- کردویف، قانات (۱۳۹۴). تاریخ ادبیات کردی. ترجمه عباس فرهادی توپکانلو. قم: عمو علوی.
- کلیایی، میرزا شفیع (۱۳۸۰). نوفل و مجنون. به کوشش امین گجری. تهران: مه.
- گوران، ولدخان (ز. ۱۱۵۰ ق). لیلی و مجنون. توتشام: نسخه محفوظ در کتابخانه شخصی عزیز پناهی توتشامی. سروده قرن ۱۲ هجری، کتابت ۱۳۷۵ ش.
- لیلی و مجنون. بجنورد: نسخه عکسی محفوظ در کتابخانه شخصی هادی بیدکی. سروده و کتابت قرن ۱۳ هجری.

_____ . نسخه شماره ۴۱۸۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. سروده قرن ۱۳ هجری، کتابت ۱۲۹۸ق.

_____ . نسخه شماره ۱۷۷۶۹ کتابخانه مجلس شورای اسلامی. سروده قرن ۱۳ هجری، کتابت ۱۳۰۵-۱۳۱۵ق.

_____ . نسخه شماره ۱۷۶۷۸ کتابخانه مجلس شورای اسلامی. سروده و کتابت قرن ۱۳ هجری.

- مردوخ روحانی، بابا (۱۳۸۲). تاریخ مشاهیر کرد، ج ۱. تهران: سروش.
- مرشدی، سیاوش (۱۳۹۶). «نظیره‌های کردی خمسه نظامی». پژوهشنامه ادبیات کردی دانشگاه کردستان، س ۳، ش ۴: ۱۱۳-۱۳۰.

- ملا نجف (ق ۱۳ هجری). لیلی و مجنون. ایلام: نسخه محفوظ در کتابخانه شخصی علیرضا خانی. سروده قرن ۱۳ هجری، کتابت قرن ۱۴ هجری.

- Fuad, Kamal (1970). *Verzeichnis der Orientalischen Handschriften in Deutschland*. Band XXX: Kurdische Handschriften. Wiesbaden: Franz Steiner Verlag GmbH.

- Rieu, Charles (1881). *Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum*. Vol. II. London: The British Museum.

Table of Contents

Editorial	5
Tūr in Iran's <i>Pahlavāni</i> (heroic) texts: Introducing "The Story of Tūr b. Jahāngir" / Reza Ghafouri	9
Words ending in <i>-āy</i> and <i>-ūy</i> in Persian old texts; Some practice in the techniques of pronunciation / Masoud Rastipoor	27
Jāmi' al-ḥisāb: A Persian work attributed to Naṣīr al-Dīn Ṭūsī on <i>Ḥisāb al-hawā'</i> / Fatima Saadatmand	49
Shir Ali Khān Lūdi's adaptation from <i>Jāme' al-sanāye'</i> by Seif-e Jām of Herat, and some observations on the amendment of <i>Mer'āt al-khiyāl</i> / Omid Shahmoradi	73
Historical connection between poetic metres and musical rhythms in ancient texts / Behrad Banaie	85
"Garshāhnāmeḥ": The incorporation of <i>Garshāsbnāmeḥ</i> 's couplets into afew of the <i>Shāhnāmeḥ</i> 's MSS in accordance with the sequence of the tale / Ali Asghar Ebrahimi-vinicheh	119
The possibility that a well-known ghazal attributed to Hafiz Is not actually his / Amir Shafaqat	141
Two stolen old manuscripts of "Devalrāni Khīzr Khān" poem transcribed by Darvish Mohammad b. Ali / Mahdieh Asadi & Bijan Zahiri Nav	157
The accounts of <i>Leili o Majnun</i> in Kurdish literature / Hadi Bidak	179
Sufi <i>Arba'in-negāri</i> (compiling 40 traditions): Examination and correction of the <i>Arba'iniyāt</i> composed by Qotb al-Din Mohyi of Kūshkenār / Ehsan Pourabrisham	199

Mirror of Heritage

(Ayene-ye Miras)



Semiannual Journal of Literary and Textological Studies

New Series, Vol. 20, Issue No. 1 (70), 2022

